

این ترانه بوی نان نمی‌دهد

سبک‌شناسی ترانه‌های
قیصر امین‌پور

مهدی فیروزیان

کتابخانه



این ترانه بوی نان نمی دهد

سبک شناسی ترانه های قیصر امین پور

نهمین سمپوزیوم



این ترانه بوی نان نمی دهد

سبک شناسی ترانه های قیصر امین پور

نویسنده: مهدی فیروزیان حاجی (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

صفحه آرایی: یاسر عزآباد

طراحی جلد: سعید فروتن

چاپ و صحافی: کارنگ

سرشناسه: فیروزیان حاجی، مهدی، ۱۳۶۱ -

عنوان و نام پدیدآور: این ترانه بوی نان نمی دهد: سبک شناسی ترانه های قیصر امین پور

مشخصات نشر: تهران: کتاب آبی، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۶۴۴ ص ۱۴/۵ * ۲۱/۵ س م

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

شابک: ۲ - ۶ - ۹۶۷۳۱ - ۶۰۰ - ۹۷۸

موضوع: امین پور، قیصر، ۱۳۳۸ - ۱۳۸۶ — نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴ — تاریخ و نقد

Persian poetry — 20th century — History and criticism : موضوع

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

رده بندی کنگره: ۸۷۱۳۹۶ ی ۶ م / PIR۷۹۶۲

رده بندی دیویی: ۶۲ / ۸ فا ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۷۲۷۳۹

دفتر پخش: تهران، خیابان انقلاب،

ساختمان فروردین، طبقه دوم واحد ۴۰۳

تلفن تماس: ۰۹۳۸۴۲۱۷۸۱۹



این ترانه بوی نان نمی‌دهد
بوی حرف دیگران نمی‌دهد
قیصر امین‌پور

پیشکش به هزارستان موسیقی ایران
علیرضا افتخاری

که نای آسمانی‌اش زیباترانه‌های بهشتی
قیصر را بال و پری از آواز بخشیده است.

پیش درآمد

۱۵

[۱] نیم نگاهی به ترانه سرایی پیش از قیصر

۲۳

درآمد

۲۵

۱-۱. شیدا

۲۷

۱-۲. عارف

۳۱

۱-۳. بهار

۳۶

۱-۴. امیرجاهد

۴۷

۱-۵. گل گلاب

۵۱

۱-۶. رهی

۵۹

۱-۷. معینی کرمانشاهی

۶۲

۱-۸. نواب صفا

۶۸

۱-۹. فکور

۷۸

۱-۱۰. سیمین

۸۵

۱-۱۱. سایه

۹۱

۱-۱۲. ترقی

۹۹

۱-۱۳. نگهبان

[۲] قیصر امین پور در یک نگاه

- ۱۰۷ درآمد
۱۰۹
۱۱۰ ۲-۱. زندگی
۱۲۸ ۲-۲. شاعری
۱۲۹ ۲-۲-۱. شعر بزرگسالان
۱۲۹ ۲-۲-۱-۱. اندیشه
۱۳۶ ۲-۲-۱-۲. زبان و واژه‌ها
۱۴۱ ۲-۲-۱-۳. قالب‌ها
۱۴۳ ۲-۲-۱-۴. موسیقی بیرونی
۱۴۸ ۲-۲-۱-۵. موسیقی درونی
۱۵۷ ۲-۲-۱-۶. موسیقی کناری
۱۶۳ ۲-۲-۱-۷. صور خیال
۱۶۵ ۲-۲-۱-۸. بدیع معنوی
۱۷۲ ۲-۲-۲. شعر نوجوان
۱۷۸ ۲-۳. نویسندگی
۱۸۳ ۲-۴. سردبیری و روزنامه‌نگاری
۱۸۷ ۲-۵. پژوهشگری

[۳] ترانه‌های قیصر امین پور

- ۱۸۹ درآمد
۱۹۱
۱۹۸ ۳-۱. خنیاگران همراه
۱۹۹ ۳-۱-۱. خوشدل
۲۰۳ ۳-۱-۲. گلپایگانی
۲۰۸ ۳-۱-۳. خَرَم
۲۱۰ ۳-۱-۴. افتخاری
۲۱۳ ۳-۱-۵. اصفهانی
۲۱۵ ۳-۲. از پشت پرده
۲۲۹ ۳-۳. نیلوفرانه یک (۱۳۷۴)
۲۳۰ در هوای تو
۲۳۲ حکایت دل

۲۳۴	کوی بی‌نشان
۲۳۶	بوی پیراهن
۲۳۸	بهشت یاد
۲۳۹	نیلوفرانه
۲۴۱	۳-۴. نیلوفرانه دو (۱۳۸۷)
۲۴۲	از اوج آسمان‌ها
۲۴۴	تشنهٔ توفان
۲۴۶	آه سحری
۲۴۸	ای عاشقان
۲۵۰	انتظار دل
۲۵۲	۳-۵. شبان عاشق (۱۳۷۹)
۲۵۳	عطر گیسو
۲۵۵	جام نگاه
۲۵۷	دعای دل
۲۵۸	شبان عاشق
۲۵۹	۳-۶. ترانه‌های پراکنده (۱۳۸۱-۱۳۷۵)
۲۶۰	کعبهٔ مهر
۲۶۱	فرصت بدرود
۲۶۳	آفتاب مهربانی
۲۶۵	به یادت
۲۶۷	فریاد

[۴] جهان‌بینی و اندیشه

۲۶۹	درآمد
۲۷۱	۴-۱. نیلوفرانهٔ یک
۲۷۵	۴-۱-۱. در هوای تو
۲۷۸	۴-۱-۲. حکایت دل
۲۷۹	۴-۱-۳. کوی بی‌نشان
۲۸۰	۴-۱-۴. بوی پیراهن
۲۸۱	۴-۱-۵. بهشت یاد
۲۸۳	

۲۸۵	۴-۱-۶. نیلوفرانه
۲۸۷	۴-۲. نیلوفرانه دو
۲۸۸	۴-۲-۱. از اوج آسمان‌ها
۲۸۹	۴-۲-۲. تشنه توفان
۲۹۰	۴-۲-۳. آه سحری
۲۹۱	۴-۲-۴. ای عاشقان
۲۹۲	۴-۲-۵. انتظار دل
۲۹۳	۴-۳. شبان عاشق
۲۹۵	۴-۳-۱. عطر گیسو
۲۹۶	۴-۳-۲. جام نگاه
۲۹۸	۴-۳-۳. دعای دل
۲۹۹	۴-۳-۴. شبان عاشق
۳۰۰	۴-۴. ترانه‌های پراکنده
۳۰۳	۴-۴-۱. کعبه مهر
۳۰۴	۴-۴-۲. فرصت بدرود
۳۰۶	۴-۴-۳. آفتاب مهربانی
۳۰۸	۴-۴-۴. به یادت
۳۰۹	۴-۴-۵. فریاد
۳۱۰	۴-۴-۶. بوی باران

۵] زبان و موسیقی ترانه

۳۱۱	درآمد
۳۱۳	۵-۱. آوایی
۳۱۴	۵-۱-۱. موسیقی بیرونی
۳۱۴	۵-۱-۲. موسیقی درونی
۳۲۶	۵-۱-۲-۱. روش تسجیع
۳۳۱	۵-۱-۲-۲. روش تجنیس
۳۳۳	۵-۱-۲-۳. روش تکرار
۳۳۷	۵-۱-۳. موسیقی کناری
۳۴۶	۵-۲. واژگانی

۳۶۷

[۶] صور خیال و بدیع معنوی

۳۶۹

۶-۱. بیان

۳۷۹

۶-۱-۱. تشبیه

۳۹۰

۶-۱-۲. استعاره

۴۰۰

۶-۲. بدیع معنوی

۴۰۱

۶-۲-۱. روش تناسب

۴۰۴

۶-۲-۲. روش ایهام

۴۱۵

[۷] سبک‌شناسی تطبیقی

۴۱۷

درآمد

۴۱۹

۷-۱. رحیم معینی کرمانشاهی

۴۱۹

۷-۱-۱. زندگی

۴۲۲

۷-۱-۲. شعر

۴۲۶

۷-۱-۳. ترانه

۴۲۷

۷-۱-۳-۱. سطح فکری

۴۳۷

۷-۱-۳-۲. سطح زبانی

۴۴۱

۷-۱-۳-۳. سطح ادبی

۴۴۵

۷-۱-۴. رفته؛ بوی باران

۴۴۹

۷-۱-۴-۱. سطح فکری

۴۴۹

۷-۱-۴-۲. سطح زبانی

۴۴۹

۷-۱-۴-۲-۱. آوایی

۴۵۷

۷-۱-۴-۲-۲. واژگانی و دستوری

۴۶۰

۷-۱-۴-۳. سطح ادبی

۴۶۰

۷-۱-۴-۳-۱. بیان

۴۶۲

۷-۱-۴-۳-۲. بدیع معنوی

۴۶۴

۷-۲. ابراهیم صفایی

۴۷۱

۷-۲-۱. خدا نکند، حکایت دل

۴۸۶

۷-۲-۲. باران، کوی بی‌نشان

۴۹۶	۷-۲-۳. موج دریا، بوی پیراهن
۵۱۱	۷-۲-۴. نوای کاروان، نیلوفرانه
۵۲۰	۷-۳. لعبت والا
۵۲۴	۷-۳-۱. بهانه دل، در هوای تو
۵۳۴	۷-۳-۲. شب رؤیا، بهشت یاد
۵۴۳	۷-۳-۳. مرغ دریا؛ انتظار دل
۵۵۱	۷-۳-۴. چه خواهی ای دل از جانم، جام نگاه
۵۶۰	۷-۳-۵. با تو می گویم، دعای دل
۵۶۸	۷-۴. سخن پایانی

[۸] سروده های قیصر در موسیقی ایرانی

۵۷۳	درآمد
۵۷۵	۸-۱. تصنیف ها
۵۷۶	ایستگاه
۵۷۸	دستور زبان عشق
۵۷۸	غزل شرقی
۵۷۸	پیش بیا
۵۷۹	هبوط
۵۷۹	عاشقی را رعایت کنیم
۵۷۹	چشمان مست
۵۸۰	با پنجره
۵۸۰	حرف آخر
۵۸۰	دوست دارم/ عهد آدم
۵۸۰	نشانی
۵۸۱	داغ دل
۵۸۱	بر آستان بهار
۵۸۱	تنها تو می مانی/ دل داده
۵۸۱	نور و نیلوفر
۵۸۲	حتی اگر نباشی
۵۸۲	روزهای خوب

۵۸۲	با توام
۵۸۳	آواز عاشقانه
۵۸۳	خسته‌ام ازین کویر/ کویر
۵۸۳	خمیازه فریاد
۵۸۴	نوبت عاشقان/ بوی نان
۵۸۴	اگر دل دلیل است/ سربلند
۵۸۴	مردان خورشید
۵۸۴	فصل تقسیم لبخند
۵۸۴	زین خالی
۵۸۵	باغ جتون/ وادی بی‌نشان
۵۸۵	کوچه‌های خراسان
۵۸۵	ای عشق
۵۸۶	از زرد به سرخ
۵۸۷	لاله پرپر
۵۸۷	تک‌سوار
۵۸۸	لحظه سبز دعا
۵۸۸	چشم‌روشنی
۵۸۸	بوی ماه مهر
۵۸۹	مدرسه منهای چهار
۵۸۹	خط خورشید
۵۸۹	پیش ازین‌ها
۵۹۰	۸-۲. آوازا
۵۹۳	۸-۳. لغزش ادبی و دست بردن در شعر
۵۹۷	۸-۴. جعل شعر به نام قیصر
۶۰۲	رنگ فرجامین
۶۰۷	کتابنامه
۶۲۱	نمایه

پیش‌درآمد

زنده‌یاد دکتر قیصر امین‌پور (۲ اردیبهشت ۱۳۳۸ - ۸ آبان ۱۳۸۶ تهران)، عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، از پیشاهنگان و سرآمدان شعر روزگار پس از انقلاب اسلامی بود که هرچند سالیان زندگانی پربارش به نیم‌سده نرسید و با دریغ نزدیک به یک دهه پایانی زندگی را در رنج تاب‌سوز بیماری گذراند، توانست در درازنای نزدیک به ۳۰ سال سخنوری (۱۳۸۶-۱۳۵۷) خوانندگان بسیاری را به سوی هنر خویش بکشد. امین‌پور در میان پژوهشگران بیش‌تر به شاعری شناخته می‌شود، اما افزون بر آن، ترانه‌سرا، نویسنده، پژوهشگر، سردبیر و روزنامه‌نگار نیز بود.

بی‌آن‌که بخواهیم هنر شاعری و دیگر توانایی‌های او را در شاخه‌های یادشده نادیده بگیریم، بر این باوریم که نام و آوازه‌ای که قیصر در میان مردم یافته بیش از هر چیز وامدار ترانه‌سرایی اوست و در این زمینه نگارنده با عباس خوشدل، آهنگساز و تنظیم‌کننده بیش‌تر ترانه‌های قیصر، همداستان است که می‌گوید:

واقعیت این است که بخش اعظمی از شهرت دکتر قیصر امین‌پور هم به خاطر آن آلبوم [نیلوفرانه یک] بود. درست است که ایشان شاعر بسیار خوبی

بود و هم قبل از آلبوم و هم بعد از آن آثار زیبایی را خلق کرده بود و حرفی در این نیست که اشعاری که برای جبهه و در موضوعات اجتماعی دیگر ساخته بودند بسیار کارهای درخشانی بود؛ ولی شهرتش در طبقه عام بیش‌تر به‌خاطر این آلبوم بود. طبقه خاص کسانی هستند که ادبیات را می‌شناسند، شعرهای ایشان را خواند[ه] اند و یا دانشجویان ایشان بود[ه] اند؛ اما فراگیر شدن اسم ایشان به‌خاطر نیلوفرانه بود. شما تصور بکنید که هفت میلیون کاست پخش شد و شبکه‌های مختلف بارها و بارها آن را پخش می‌کردند و همگان دنبال شاعر آن بودند و اسم دکتر قیصر امین‌پور را می‌شنیدند («نیلوفرانه کار عشق بود»، ص ۲۱).

او با کارنامه کم‌برگ اما گرانسنگ هشت سال ترانه‌سرایی (۱۳۸۱ - ۱۳۷۴) در پیشرفت هنر ترانه‌سرایی نقشی برجسته داشت و در میان سرایندگان روزگار دارای جایگاهی والا است. با این‌همه تا کنون ترانه‌های او گردآوری و بررسی نشده است.^۱ نگارنده که پیش‌تر چند جستار در همین زمینه به رشته نگارش درآورده، در کتاب پیش‌رو بدین کار کمر بر بسته است؛ بدین امید که روی دیگری از آفرینشگری آن سخنور گرانمایه را برای دوستداران شعر و موسیقی ایرانی آشکار سازد و پرده از جادوی هنر وی براندازد؛ همچنین با به دست دادن گزارشی گسترده از اندیشه‌ها، شگردهای هنری و آرایه‌های ادبی به‌کاررفته در سروده‌های قیصر، راه شناخت نکته‌های نغز و باریک هنر ترانه‌سرایی را برای دوستداران آن هموارتر سازد.

موسیقی هنری والا و زیباست که بازتاب‌دهنده حالات گوناگون گفتنی و ناگفتنی جهان درون است و در انگیزش عاطفی توانایی شگرفی دارد. بی‌گمان اندیشه‌ها و هستی‌شناسی موسیقی‌دان در چند و چون ساخت

۱. در مجموعه کامل اشعار قیصر امین‌پور ترانه‌ای از او نیامده است. در برخی کتاب‌ها و مجله‌ها ترانه‌های او به گونه پراکنده و با کاستی‌ها و لغزش‌های گوناگون چاپ شده است. در زمینه پژوهشی، با آن‌که جستارهای بسیاری درباره شعر قیصر نوشته شده است، تنها جستار جداگانه‌ای که درباره بررسی شیوه ترانه‌سرایی وی یافتیم نوشته‌ای چهار صفحه‌ای به نام «نیلوفرانه‌ها» (نک: کتابنامه) بود.

موسیقی نقش دارد؛ ولی با همه کوشش‌هایی که برخی برای معنایابی و جستجوی اندیشه در موسیقی کرده‌اند (نک: بیان اندیشه در موسیقی، ص ۱۷-۹) راست آن است که یک آهنگ (موسیقی سازی) توان پیام‌رسانی و اشاره کردن آشکار به جهان بیرون را ندارد. از همین‌رو خنیاگران برای رساندن اندیشه و باور، خود را نیازمند واژه و ادبیات دیده‌اند و موسیقی آوازی را، که در سنجش با موسیقی سازی دوستداران بسیار بیش‌تری دارد، به انگیزه پیام‌رسانی پدید آورده‌اند.

ساختن موسیقی آوازی به دو شیوه روایی گسترده دارد. روش نخست آن است که آهنگساز روی شعرهایی که در قالب‌های گوناگون (به‌ویژه غزل) با وزن عروضی سروده شده‌اند آهنگ می‌گذارد و روش دوم آن که آهنگ ساخته می‌شود و سراینده نه بر بنیاد وزن عروضی، که بر پایه ریتم آهنگ سخنی روی آن می‌نهد.^۱ برای آن که دو دسته نام‌برده به‌آسانی از هم بازشناخته آیند، موسیقی‌های آوازی ساخته‌شده با روش نخست را «تصنیف» و آن‌چه را با روش دوم پدید آمده «ترانه» می‌خوانیم.^۲

تا چند دهه پیش پژوهشگران و سخن‌سنجان ترانه را در شمار آثار درخور ارزیابی نمی‌نهادند و آن را در جایگاه متنی وابسته به آهنگ دارای ارج ادبی نمی‌دانستند. از همین‌رو نقد و بررسی ترانه جایی در پژوهش‌های ادبی نداشت. شعر در ایران روزی هنر نخست بود و ایران کشور شاعران شمرده می‌شد. همگان از پیر و جوان شماری از شعرهای خوب را در یاد داشتند و اگر نه در هر خانواده، دست‌کم در هر کوی و برزن شاعری، از تنک‌مایه گرفته تا توانا، یافت می‌شد. تا همین چند دهه پیش شعرخوانی و شعردانی

۱. در سومین روش ساخت موسیقی آوازی، گروهی اندک از هنرمندان، مانند شیدا و عارف، که در ادبیات و موسیقی دارای نیروی آفرینشگری هستند، سخن و آهنگ را هم‌زمان می‌سازند. از آمیزه دو روش نخست و هم‌کاری و هم‌نشینی آهنگساز و سراینده به روش چهارمی دست توان یافت که هرچند کم‌تر روایی دارد، بهترین شیوه ساخت موسیقی آوازی است (نک: پیوند شعر و موسیقی آوازی، ص ۲۰).

۲. ساخته‌های روش سوم (ساخت هم‌زمان سخن و آهنگ) را هم تصنیف توان خواند. گفتنی است ترانه و تصنیف در بیش‌تر آثار موسیقایی برابر با یکدیگر و به یک معنی به‌کار می‌روند (نک: واژه‌نامه موسیقی ایران‌زمین، ج ۱، زیر ترانه و تصنیف).

فراگیر و مایهٔ سرفرازی بود. پس از دگرگونی شیوهٔ زندگی و جهان‌بینی، با شتابی گاه دیوانه‌وار، که با ساز و کار جهان امروزی و دستاوردهای دانشمندان به زندگی آدمیان راه یافت، و گسترده شدن گفتگوهای فرهنگی و نیز افزایش دامنهٔ سرگرمی‌های رنگارنگ، که خود از سویی به همسان‌سازی فرهنگی نیز انجامید، با گسست نسل نو از زندگی کهن، که جدا شدنشان از فرهنگ و هنر و ادب گذشته را در پی داشت، سرنوشتی تلخ و ناگوار برای هنرهای سنتی ایرانی همچون شعر و خوشنویسی و آوازخوانی (ساز و آواز در برابر تصنیف و ترانه) رقم زده شد. باید پذیرفت که شعر شاعران جوان امروز (خواست ما از «شعر»، سخن‌پندارین و آهنگین و از «شاعران جوان»، زادگان نیمهٔ دوم سدهٔ چهاردهم است) با شمارگان ۵۰۰ یا کم‌تر بیش‌تر کتاب‌های شعر، که آن‌ها را هم گوینده خود به دوستان و آشنایان می‌بخشد، در سنجش با جمعیت بیش از ۸۰ میلیونی ایران خواننده‌ای ندارد. ما اکنون در پی ریشه‌یابی چونی و چرایی نیستیم و تنها از آن‌چه می‌بینیم سخن می‌گوییم. در چنین روزگاری ترانه (بی‌آن‌که آهنگ ارزش‌گذاری و ارزیابی ادبی شعر و ترانه را داشته باشیم) نقشی پررنگ و اثرگذاری‌ای بسیار گسترده دارد که به‌هیچ‌روی با شعر سنجیدنی نیست. امروز مردمانی پرشمار، که شاید بیشینهٔ آن‌ها هیچ بیتهایی از شاعران روزگار را به یاد نسپرده باشند، چندین ترانه را از بر دارند و جز آن‌که شبانه‌روز ترانه‌های گوناگون را از صدا و سیما یا از دستگاه پخش خانه یا خودروی خود می‌شنوند، در بزم یا تنهایی، بارها آن‌ها را زمزمه می‌کنند. ترانه که اثری ادبی است، با بهره‌گیری از هنر موسیقی به میان مردم رفته و با زندگی آن‌ها درآمیخته است. ترانهٔ خوب (از هر سه دید اندیشگی، زبانی و ادبی) می‌تواند جامعه را از هنر ناب سیراب کند و ترانهٔ بد هم آسیب‌ها و اثرهای بد خود را به گونه‌ای نه‌چندان آشکار، ولی گسترده، در جامعه برجای خواهد نهاد. از همین‌روست که ترانه و ترانه‌سرایی در سراسر جهان جایگاهی والا یافته است و برای نمونه می‌بینیم که جایزهٔ نوبل ادبیات در سال ۲۰۱۶ به باب دیلن ترانه‌سرا می‌رسد.

پدیده‌ای چنین اثرگذار که دوستداران بی‌شمار دارد، شایسته درنگ و بررسی پژوهشگران و سخن‌سنان است و پژوهشگرانی که هنوز مانند ایرج‌میرزا تصنیف‌ساز را از شاعر فروتر می‌شمارند^۱ و ترانه را اثری درخور درنگ نمی‌دانند فرزند زمان خویشتن نیستند و از همراهی با روزگار بازمانده‌اند. امروز با گسترش دامنه اثرگذاری ترانه‌ها، و پیدایش نسلی از سرایندگان که آثاری درخشان از خود بر جای نهاده‌اند که هیچ‌کم از شعر ندارد، و همچنین آشفتگی شگفتی که در نبود نقد درست گریبانگیر بسیاری از جویندگان نام و نان در ترانه‌سرایی شده است، بایستگی پرداختن به ترانه و جای تهنی نقد دانشورانه آن در کارهای پژوهشی بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. تا جایی که نگارنده آگاهی دارد نویسنده‌ای تا کنون کتابی جداگانه در بررسی چندسویه و سبک‌شناسی همه ترانه‌های سراینده‌ای پارسی‌زبان به رشته نگارش درنیاورده و گام ما نخستین گام در این زمینه است. امیدواریم در آینده درباره دیگر ترانه‌سرایان بزرگ روزگار چنین کارهایی به دست پژوهشگران به انجام رسد.

درباره کتاب پیش‌رو نکته‌ای چند شایسته یادکرد است. کوشیده‌ایم با ارزیابی چندسویه کارنامه ترانه‌سرایی قیصر زیر و بم کار وی را نشان دهیم و برای آن‌که جایگاه وی به‌درستی در میان سرایندگان روزگار آشکار شود در آغاز به بررسی کوتاه و فشرده پیشینه ترانه‌سرایی پرداخته‌ایم و پس از سبک‌شناسی سروده‌های قیصر، در پایان شیوه او را به‌گسترده‌گی با چند سراینده دیگر سنجیده‌ایم. در بخش پایانی برای آن‌که پرونده بررسی پیوند سروده‌های قیصر با موسیقی آوازی بسته شود، از تصنیف‌ها و آوازهایی که با شعر او پدید آمده‌اند یاد کرده‌ایم.

جز در بخش کوتاه پایانی زندگی‌نامه قیصر که نگارنده آگاهانه آن را با مهر و یاد گرامی قیصر درآمیخته و از «دل» سخن گفته است، در سراسر کتاب شیوه دانشورانه را پاس داشته‌ایم و کوشیده‌ایم از یکسویه‌نگری، ساده‌انگاری،

۱. ایرج برای خوارداشت عارف قزوینی به او می‌گوید: «تو شاعر نیستی، تصنیف‌سازی» (تحقیق در احوال و آثار ایرج‌میرزا، ص ۹۲) و گویا انگیزه وحید دستگردی از این‌که برای نخستین‌بار واژه «ترانه» را به‌جای «تصنیف» به‌کار برده (دیوان وحید دستگردی، ص ۷۶۸) همین سخن ایرج بوده است (نک: چهره‌های ماندگار ترانه و موسیقی، ج ۱، ص ۱۹۲).

هیجان‌زدگی و داوری‌های جانبدارانه و آوردن گزاره‌های عاطفی پرهیز کنیم. بخش‌هایی از کتاب پیش‌رو ویژه زندگی‌نامه کوتاه یا بلند هنرمندان سخنور و خنیاگر (ترانه‌سرایان پیش از قیصر و خنیاگران همراه او) است. از همین رو نکته‌ای چند درباره زندگی‌نامه‌نگاری شایسته گفت است. بسیاری از ما جهان گذشته را در شاخه‌های گوناگون (در این جا بیش‌تر شاخه هنر) جهانی شگرف و آرمانی می‌بینیم و گویی همواره افسوس از دست رفتن آن گذشته بشکوه را می‌خوریم. اگر نگاهی راستی‌جویانه و دانش‌پژوهانه به تاریخ ببینیم که چنین برداشت‌هایی درست نیستند. می‌پردازم کوشش تاریخ‌نگاران در به دست دادن چهره‌ای خواستنی و همه‌پسند از درگذشتگان، در پیدایش نگاه ستایشگرانه ما به گذشته نقش داشته است. انگیزه نویسندگان از چنین کاری را، جز آن‌چه مرده‌پرستی خوانده می‌شود، شاید بتوان در نگاه خود هنردوستان ریشه‌یابی کرد. هنردوستان با یکسویه‌نگری خودخواهانه‌ای خواستار آن‌اند که هنرمندان آن‌گونه باشند که ایشان هستند (یا دوست دارند باشند)؛ و اگر در رویکرد اخلاقی، اجتماعی و سیاسی هنرمندی با آن‌چه خود می‌پسندند ناسازگاری ببینند، او را از خود می‌رانند و بی‌هنر می‌خوانند. به گواهی تاریخ، پیامد چنین نگاه بسته و تنگی آن است که مردم، گریزی را به بزرگی برمی‌گزینند که سراپا رنگ و نیرنگ است، و ساده‌دلی را که از ترفندهای توده‌گرایی^۱ و مردم‌فریبی^۲ بویی نبرده خرد و خوار می‌بینند. نویسندگان هم با آگاهی از این کوتاه‌نگری و ساده‌اندیشی همگانی، می‌کوشند چهره‌ای از هنرمند به دست دهند که خوشایند مردم باشد، تا هنر وی نادیده گرفته نشود. نگارنده چنین دیدگاهی ندارد و در نوشتن زندگی هنرمندان تنها بر داده‌های تاریخی و گزاره‌های دانشی (حتی اگر با پسند همگانی همسو نباشد) پای می‌فشرد. همچنین جز درباره قیصر، که کتاب درباره اوست، به بررسی گسترده رویکرد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... هنرمندان (حتی در جایی که پای پدیده‌ای مانند «سرقت هنری» به میان می‌آید که از یک سوی با هنر پیوند دارد و از سویی با اخلاق) نمی‌پردازد.

1. Populism.

2. Demagogy.

چهره‌ای که از قیصر امین‌پور به دست داده‌ایم، شاید از آن‌رو که خوشایند پسند همگانی است، در چشم کسانی که از آفت یادشده در زندگی‌نامه‌نگاری‌ها آگاه‌اند، ناراست یا آراسته‌تر از آن‌چه به‌راستی هست بنماید. باید بگوییم نگارنده، که دوستدار و ستایشگر هنر بسیاری از هنرمندانی است که منش و کنش آنان را یک‌باره با پسند خویش ناسازگار می‌یابد، هرگز به چنان بازی‌هایی تن درنداده و اگر به داد داوری شود روشن خواهد شد که درباره قیصر جز آن‌چه راست و درست است، واژه‌ای از خامه او نترایده است.

سرانجام از چند تن گرامی که مرا بزرگوارانه از مهر و همراهی‌شان برخوردار کرده‌اند، از بن جان، سپاسگزاری می‌کنم:

یار اندیشمند و همراه و راهنمای همیشگی‌ام جناب آقای دکتر محمد افشین‌وفایی که پیش از چاپ، با همه گرفتاری‌هایی که داشت، کتاب را با نگاه ژرف‌بین و دانشورانه خود خواند و از لغزش‌های نگارنده کاست.

خنیان‌گرانِ گرانمایه، عباس خوشدل، نادر گلچین، علیرضا افتخاری، محمدجواد ضرابیان، محمد ظریف و افسانه ملک که با خوش‌رویی و خوش‌گویی به پرسش‌های نگارنده پاسخ دادند.

همسر همدل و فرهیخته قیصر، سرکار خانم دکتر زیبا اشراقی، که بخشی از دست‌نوشته‌های شاعر را به نگارنده سپرد.

بانو مژگان زرین‌نقش، مدیر اجرایی ارجمند ماه‌نامه هنر موسیقی، که راه نگارنده را در دسترسی به برخی آبخورها هموار ساخت.

یگانه‌یادگار و فرزانه‌فرزند قیصر، آیه امین‌پور، آقایان شهریار شاهین‌دژی، محمدعرفان رفیعی، ناصر ایزدی، زنده‌یاد کامبیز کامران، و بانوان فاطمه شیخی، مینو کلانی و فائزه ترکاشوند.

مهدی فیروزیان

تهران، امیرآباد شمالی - ۲۰ اسفند ۱۳۹۵